



منطقه خاکستری جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های بازدارندگی ایالات متحده آمریکا

امید آسیابان^۱ | مهرشاد غفاری‌زاده^۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش دستیابی به نوعی چارچوب نظری و تحلیلی برای تبیین تحولات منطقه غرب آسیا است. پرسشی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که چرا بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا فاقد کارایی لازم در برابر چالشگری جمهوری اسلامی ایران است؟ روش این پژوهش مبتنی بر دو گام است: در گام اول مدلی تحلیلی-نظری برای تهاجمات منطقه خاکستری ارائه می‌شود. در گام دوم با استفاده از داده‌های تجربی و رویدادها، چالشگری جمهوری اسلامی ایران و میزان کارایی بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. مطابق فرضیه این پژوهش تحولات ایجاد شده در سیستم بین‌الملل پس از حوادث فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی منجر به تحول در ساختارهای ژئوپولیتیکی و امنیتی منطقه غرب آسیا شده است. مداخلات ایالات متحده آمریکا در این منطقه بر پیچیدگی‌های ساختار منطقه افزوده است و در نهایت منجر به شکل‌گیری منطقه خاکستری شده است. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا بازدارندگی ایالات متحده آمریکا را به چالش کشیده است.

کلیدواژه‌ها: چالش‌گری جمهوری اسلامی ایران؛ منطقه خاکستری؛ بازدارندگی آمریکا؛ غرب آسیا؛ تهاجم مداوم.

۱. نویسنده مسئول: دکتری، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

omid.asiaban@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حملات یازدهم سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی نوید بخش تحولات ژرفی در سیستم بین‌الملل بود. بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل در سنت‌های پژوهشی و نظریه‌های مختلف نسبت به این تحولات، مباحث و نظریه‌های جدیدی مطرح کردند. یکی از این مباحث توجه به اهمیت مناطق، چالش قدرت‌های بزرگ و هژمون در سیاست بین‌الملل است. در واقع این دو واقعه نقطه عطف مهمی در تغییر سیستم بین‌الملل از سیستم کلاسیک به سیستم پیچیده با ویژگی‌های عدم تقارن محسوب می‌شود. بر این اساس مناطق در ادبیات روابط بین‌الملل و همچنین در حوزه راهبردی و عملیاتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند. مناطق در دوره جنگ سرد و دوره‌های قبل تر معمولاً تحت تسلط قدرت‌های بزرگ قرار داشتند و بسیاری از این مناطق به‌عنوان حوزه‌های نفوذ این قدرت‌ها در جهت منافع آن‌ها محسوب می‌شدند. برای مثال منطقه ژئوپولیتیک غرب آسیا در دوره جنگ سرد میدان رقابت‌های ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد و کنش‌گران منطقه‌ای استقلال‌گرا کمی در مقابل این دو ابر قدرت داشتند. با توجه به این تحولات می‌توان گفت که منطقه غرب آسیا در سال‌های پایانی جنگ سرد در حال تبدیل به یک منطقه چالش‌برانگیز برای سیاست‌های راهبردی هژمونی ایالات متحده آمریکا بود.

پس از حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ بسیاری از استراتژیست‌های آمریکایی تلاش داشتند مطابق منطق کنترل مناطق در دوره جنگ سرد، منطقه غرب آسیا را تحت تسلط هژمونی خود قرار دهند. در ابتدا ایالات متحده آمریکا توانست افغانستان و عراق را با قدرت نظامی اشغال کند اما پس از اشغال، ایالات متحده آمریکا نتوانست در عراق و افغانستان تسلط یابد. پس از ایجاد ساختار سیاسی دموکراسی انجمنی در عراق و ایجاد ساختار سیاسی شبه دموکراتیک در افغانستان بسیاری از اهداف راهبردی نومحافظه‌کاران در منطقه غرب آسیا عملیاتی نشد. خروج ایالات متحده آمریکا از افغانستان پس از دو دهه و سقوط دولت مرکزی در این کشور به دست گروه طالبان موجی از انتقادات داخلی و خارجی را متوجه دولت ایالات متحده آمریکا کرد. در عراق و سوریه نیز ایالات متحده آمریکا دچار

مشکلاتی در حوزه بازدارندگی ناشی از کنش‌گری محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران شده است. پرسشی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که چرا بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا فاقد کارایی لازم در برابر کنش‌گری فعال جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های نیابتی محور مقاومت است؟ روش این پژوهش مبتنی بر دو گام است؛ در گام اول مدلی تحلیلی - نظری برای تهاجمات منطقه خاکستری ارائه می‌شود. در گام دوم با استفاده از داده‌های تجربی و رویدادهای جاری اقدامات جمهوری اسلامی ایران و بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. اهمیت و ضرورت این پژوهش از این جهت است که سیستم بازدارندگی ایالات متحده آمریکا را در یک محیط عملیاتی نوین مورد ارزیابی قرار می‌دهد و به دنبال آن فرصت‌های راهبردی و تاکتیکی جمهوری اسلامی ایران را تبیین می‌کند. هدف اصلی این پژوهش دستیابی به نوعی چارچوب نظری و تحلیلی برای تبیین تحولات منطقه غرب آسیا است. مطابق فرضیه این پژوهش تحولات ایجاد شده در سیستم بین-الملل پس از حوادث فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی منجر به تحول در ساختارهای ژئوپولیتیکی و امنیتی منطقه غرب آسیا شده است. مداخلات ایالات متحده آمریکا در این منطقه بر پیچیدگی‌های ساختار منطقه افزوده است و در نهایت منجر به شکل‌گیری منطقه خاکستری شده است. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاکستری غرب آسیا بازدارندگی ایالات متحده آمریکا را به چالش کشیده است.

پیشینه‌شناسی پژوهش

قاسمی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «ساخت ژئوپولیتیکی سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی، امنیتی ایالات متحده آمریکا» به مدل‌های راهبرد نظامی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در ساختار ژئوپولیتیکی سیستم نوین بین‌الملل پرداخته است. ایالات متحده آمریکا کا مناطق سیستم بین‌الملل را به هشت منطقه تابعه تقسیم کرده است و از طریق راهبرد بازدارندگی گسترده و یکجانبه تلاش دارد با مدل‌های تلافی گسترده، پاسخ انعطاف‌پذیر، جنگ و همکاری محدود منطقه غرب آسیا را کنترل کند. عسگرخانی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای» با تأکید بر بازدارندگی هسته‌ای به‌عنوان می-

توانند به بهترین شکل صلح و ثبات بین‌المللی را حفظ کند. در این مقاله بر بازدارندگی هسته‌ای دولت‌ها و برتری بازدارندگی هسته‌ای ایالات متحده آمریکا تاکید شده است. مک اینیس^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازدارندگی گسترده: شکاف اعتبار ایالات متحده در خاورمیانه» معتقد است که برنامه هسته‌ای ایران در منطقه می‌تواند آغازگر یک دومینوی هسته‌ای در منطقه غرب آسیا باشد. سیاست بازدارندگی گسترده آمریکا در خاورمیانه نه به دلیل عدم توانایی فیزیکی یا حضور در منطقه، بلکه به دلیل شکنندگی روابط ایالات متحده با متحدانش در منطقه فاقد اعتبار است و موقعیتی منحصر به فرد خطرناک ایجاد می‌کند. آرباتوف^۲ (۲۰۲۱) در کتابی با عنوان *بازدارندگی هسته‌ای: تضمینی یا تهدیدی برای ثبات راهبردی؟* به ناکافی بودن بازدارندگی متعارف و هسته‌ای ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا پس از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر پرداخته است. نویسنده بر پیچیدگی‌های موجود در مناطق خاکستری اشاره کرده است و معتقد است که ایالات متحده آمریکا در این مناطق با اقداماتی مواجه است که فراتر از آستانه بازدارندگی متعارف و هسته‌ای هستند.

آیزنشتات^۳ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد منطقه خاکستری ایران؛ سنگ بنای شیوه جنگ نامتقارن» معتقد است که ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی به همراه چین و روسیه تلاش کرده است یکی از کنش‌گران مهم منطقه خاکستری باشد. ایالات متحده در طول این چهار دهه نتوانسته است مانع اقدامات ایران در منطقه خاکستری‌اش شود. منطقه خاکستری برای جمهوری اسلامی ایران فرصتی بوده است که بتواند منافع خود را به پیش‌برد و مانع از بروز جنگ پر هزینه با ایالات متحده آمریکا شود. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد در سیستم بین‌الملل آینده اهمیت منطقه خاکستری به دلیل کم هزینه بودن برای دولت‌های تجدید نظر طلب افزایش خواهد یافت.

ویرتس^۴ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «زندگی در منطقه خاکستری؛ شواهدی برای استراتژیست‌های معاصر» معتقد است که اصطلاح «منطقه خاکستری» به‌عنوان راهی برای توصیف چالش‌های امنیتی معاصر مورد توجه همگان قرار گرفته است. این مقاله راهبردهای «جنگ کوتاه»

1 Mcinnis
2 Arbatov
3 Eisenstadt
4 Wirtz

را توصیف می‌کند که شامل «تاکتیک‌های سلامی»^۱ می‌شود. در این مقاله به این مهم پرداخته می‌شود که چرا مواضع دفاعی مبتنی بر بازدارندگی به‌ویژه در برابر راهبردهای کوتاه‌مدت جنگی که «منطقه خاکستری» را پر می‌کند، آسیب‌پذیر هستند. این مقاله با پیشنهاد اینکه چگونه مقامات دفاعی ممکن است سیاست‌های دفاعی را با زندگی در «منطقه خاکستری» تطبیق دهند، به پایان می‌رسد.

مبانی نظری پژوهش

تهاجم منطقه خاکستری از دو دسته اصلی تعارض متمایز می‌شود. همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده است، اشکال غیرمتعارف تعارض و یا جنگ نامتقارن^۲ به شورش‌ها و اشکال تروریسم در مقیاس وسیعی اشاره دارد. جنگ ترکیبی در مفهوم فرانک هافمن^۳ نوعی درگیری است که در آن اشکال جنگ نامتعارف (ترکیبی و نامتقارن) با جنگ متعارف (کلاسیک) ترکیب می‌شود (Morris & et al, 2019: 1). از سوی دیگر آیزنشتات معتقد است که می‌بایست میان جنگ منطقه خاکستری، جنگ نامتقارن و جنگ ترکیبی تفاوت قائل شد و آن‌ها را به اشتباه به جای یکدیگر با کار نبرد. از نظر این نویسنده هر یک از این اصطلاحات به جنبه‌ای از راهبردهایی اشاره دارد که به نحوه استفاده دولت‌ها از راه‌ها و ابزارها برای دستیابی به اهداف سیاست امنیت ملی مربوط می‌شود (Eisenstadt, 2021: 77). به طور معمول رقابت در منطقه خاکستری به صورت درگیری‌های مسلحانه کوتاه مدت رخ می‌دهند. این فضا معمولاً شامل اجبار و خشونت حداقلی است، اما به طور کلی فضایی غیرنظامی و فاقد خشونت آشکار است. در کل نویسنده گمان این پژوهش معتقدند که منطقه خاکستری منطقه‌ای است که امکان بهره‌گیری از اقدامات تهاجمی ترکیبی، نامتقارن و نیابتی در آن وجود دارد و همین امکانات است که منطقه خاکستری را از سایر مناطق در سیستم بین‌الملل تفکیک می‌کند. در شکل شماره ۱ طیفی از انواع تعارض مشخص شده است.

1 Salami Tactics

تاکتیک‌های سلامی فرآیندی از تهدیدها و اتحادهایی است که برای غلبه بر مخالفان از طریق قطعه کردن یک منظره، بر رقیب تاثیر گذارد و بر وقایع مسلط شود.

2 Asymmetric Warfare

3 Frank Hoffman



Source: Mazarr & et al, (2021)

شکل ۱- نوع‌شناسی تعارض

منطقه خاکستری در تعریف به معنای یک فضای میانه جنگ و صلح است که در آن کنش گران به صورت هدفمند از عناصر متعدد قدرت خود برای دستیابی به اهداف امنیتی-سیاسی استفاده می‌کنند. اقدامات کنش گران در منطقه خاکستری دارای ابهام و فاقد انتساب هستند و معمولاً از آستانه رقابت‌های متعارف عبور می‌کنند. اما این اقدامات از سطح درگیری نظامی مستقیم در مقیاس بزرگ در سطح پایین تر قرار می‌گیرند (Morris & et al, 2019: 8).

جدول ۱- طبقه‌بندی اقدامات در منطقه خاکستری

ویژگی‌ها	طبقه‌بندی
اقدام شبه نظامی یا نظامی مستقیم	تهاجمی
معمولاً قابل انتساب است	
تهدید قابل توجه برای تمامیت ارضی	
مجبور به اتخاذ یک گزینه مضاعف	
اغلب نقض آشکار قوانین بین‌المللی است	
می‌تواند با هشدار از قبل جلوگیری کند	متعادل
اقدام مستقیم؛ اگرچه غالباً در شکل غیر نظامی است	
معمولاً قابل انتساب است	
هدف ادعا کردن و اعمال زور است	
وضعیت حقوقی این اقدامات بسیار مورد اعتراض است	
ایجاد بازدارندگی در برابر آن دشوار است	

اقدامات گسترده و در سطح پایینتر از یک کارزار است	مداوم
به وضوح نقض هیچ قاعده و هنجار بین‌المللی نیست	
الگوی اقدامات متداوم و به هم پیوسته	
غالباً به روش پنهانی انجام می‌شود	
جلوگیری از آن بسیار دشوار و مجازات آن نیز دشوار است	

اقدامات تهاجمی در منطقه خاکستری

ویژگی‌های تهاجمی در منطقه خاکستری در درجه اول با بازدارندگی از طریق مجازات^۱ مطابقت دارد. این تهاجمات در منطقه خاکستری می‌توانند از طریق انکار، مانع از بازدارندگی شوند و این کار را برای دولت بازدارنده دشوارتر می‌کند. دولت متهاجم تلاش خواهد کرد تا راه‌های احتمالی حمله را شناسایی کند یا توانایی‌های خود را برای انکار با موفقیت به کار گیرد. فعالیت‌های منطقه خاکستری تمایز میان انواع بازدارندگی را مشخص‌تر می‌کند و تمرکز بر بازدارندگی از طریق انکار^۲ به‌عنوان پایه و اساس یک راهبرد موثر توصیه می‌شود. هر اقدام در منطقه خاکستری (به ویژه اقدامات تهاجمی پیشرفته) منعکس‌کننده همه این خصوصیات نخواهد بود. برخی اقدامات نسبتاً واضح و قابل انتساب خواهند بود. برخی از آنها بخش‌های ترکیبی بیشتری از توانایی‌ها و اقدامات نظامی و غیر نظامی را به صورت همزمان کار می‌برند. برخی منافع مهم‌تری در کشور مورد هدف تهدید می‌کنند. به طور کلی ترکیبی از هشت عامل زیر توضیح می‌دهد که چرا بازداشتن از تهاجم در منطقه خاکستری بسیار دشوارتر از تهاجم بین‌دولتی^۳ است (Eisenstadt, 2021: 77-81). این هشت ویژگی شامل موارد ذیل می‌شوند:

۱- آستانه^۴ حداقلی برای پاسخ نظامی؛

۲- به تدریج آشکار شدن^۵؛

۳- غیرقابل انتساب^۱؛

- 1 Punishment
2 denial
3 Interstate
4 Threshold
5 Unfolds Gradually

- ۴- استفاده از توجیه‌های حقوقی و سیاسی؛^۲
- ۵- تهدید منافع ملی ثانویه؛^۳
- ۶- از ضمانت و حمایت دولتی برخوردار است؛^۴
- ۷- استفاده بیشتر از ابزارهای غیرنظامی؛^۵
- ۸- بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیر کشورها و جوامع مورد هدف (Mazarr & et al, 2021: 9-11).

چالشگری ج.ا. ایران در غرب آسیا و بازدارندگی ایالات متحده آمریکا

جمهوری اسلامی ایران از ابتدا بر اساس مبانی گفتمان انقلاب اسلامی ایران نظم منطقه غرب آسیا را به دلیل حضور نظامی ایالات متحده آمریکا و رژیم‌های دست‌نشانده مانند رژیم صهیونیستی مورد چالش قرار داده است. پس از حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ میلادی، این دولت مداخله‌گر تلاش کرد از طریق قدرت نظامی، راهبرد بازدارندگی گسترده و همه‌جانبه را در منطقه غرب آسیا علیه دولت‌های منطقه و گروه‌های بنیادگرا اعمال کند. تبدیل منطقه غرب آسیا به یکی از نظم‌های تابعه به‌عنوان یکی از اهداف راهبردی ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شد و تلاش داشت از طریق بازدارندگی کلاسیک و گسترده به این هدف دست پیدا کند. اما پس از اشغال افغانستان و عراق بسیاری از راهبردپردازان آمریکایی و ناظران بین‌المللی دریافتند که اگر چه ایالات متحده آمریکا به سادگی توانست از طریق قدرت نظامی افغانستان و عراق را اشغال کند و پایگاه‌های نظامی در کشورهای حاشیه خلیج فارس تاسیس کند، اما در ادامه حضور در غرب آسیا دچار مشکلات فراوانی در منطقه شده است. بر خلاف انتظار آمریکایی‌ها منطقه غرب آسیا تبدیل به منطقه تابعه نشد و سیستم کنترلی بازدارندگی گسترده و همه‌جانبه نیز نتوانست در مقابل اقدامات و چالش‌گری‌های جمهوری اسلامی ایران

1 Is Not Attributable
2 Uses Legal and Political Justifications
3 Threatens Only Secondary National Interests
4 State Sponsorship
5 Uses Mostly Nonmilitary Tools

کارایی داشته باشد. حال به نظر می‌رسد که اقدامات ایالات متحده آمریکا مانند تغییر رژیم در افغانستان و عراق صرفاً در جهت تبدیل نظم منطقه غرب آسیا به یک منطقه خاکستری جهت افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران موثر بوده است. بنابراین می‌توان گفت که بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا تا کنون نتوانسته است مانع از چالشگری جمهوری اسلامی ایران در این منطقه شود (Groitl, 2021:85).

با توجه به تقسیم‌بندی ارائه شده در جدول شماره ۱ می‌توان این گونه ارزیابی کرد که از زمان ورود نظامی ایالات متحده آمریکا به منطقه غرب آسیا و تلاش برای اعمال سیستم کنترل بازدارندگی گسترده و همه‌جانبه خود در این منطقه، سطح و نوع اقدامات چالشگری جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا از نوع اقدامات تهاجمی پیوسته و تدریجی بوده است. بر اساس این تحلیل می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران با ایجاد نوعی منطقه خاکستری در غرب آسیا توانسته است اقدامات خود را علیه منافع و سیستم بازدارندگی ایالات متحده آمریکا عملیاتی کند. در اینجا بحث اصلی حول محور عدم کارآمدی سیستم بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در مقابل اقدامات پیوسته و تدریجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا است. مجموعه اقداماتی که جمهوری اسلامی ایران علیه منافع ایالات متحده آمریکا انجام می‌دهد معمولاً از طریق انکار مانع از کارآمدی سیستم بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا شده است.

دلایل ناکارآمدی بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاکستری

این پژوهش بر چالشگری جمهوری اسلامی ایران علیه منافع و سیستم بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاکستری غرب آسیا متمرکز است، زیرا این اقدامات طبق ارزیابی‌های جامعه اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا بیشترین خطر را برای منافع ایالات متحده دارند. در اینجا بر اساس معیارهایی دلایل ناکارآمدی سیستم بازدارندگی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاکستری غرب آسیا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ایالات متحده آمریکا در منطقه خاکستری جمهوری اسلامی ایران قادر به ارزیابی دقیق فعالیت‌های منطقه خاکستری جمهوری اسلامی ایران نیست. بر این اساس بسیاری از اقدامات جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای طراحی می‌شوند که قابل شناسایی توسط ایالات متحده آمریکا و کنش‌گران بین‌المللی نباشد. علاوه بر عدم آگاهی و ارزیابی ایالات متحده، می‌توان گفت که

ایالات متحده و هم‌پیمانان منطقه‌ای از اتخاذ ژست متحدانه در مقابل اقدامات جمهوری اسلامی ایران ناتوان هستند. به همین دلیل است که جمهوری اسلامی ایران توانسته است در منطقه خاکستری غرب آسیا بر روی اختلاف تعهد میان ایالات متحده و هم‌پیمانانش سرمایه‌گذاری موثری کند. این اختلاف تعهد میان ایالات متحده و هم‌پیمانانش باعث می‌شود که نوعی فقدان توانایی در انکار برخی از اقدامات جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاکستری غرب آسیا باشد. جمهوری اسلامی ایران دارای فرصت فراوانی در استفاده از نقاط ضعفی مانند عدم حضور ایالات متحده آمریکا در مناطق کلیدی است. ایالات متحده آمریکا فاقد توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی است که بتواند نقاط ضعفش را از جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاکستری پنهان کند. علاوه بر این موارد باید گفت که پاسخ‌های بازدارنده ایالات متحده و هم‌پیمانانش از حمایت‌های منطقه‌ای و جهانی برخوردار نیستند. یکی از دلایل اصلی عدم شکل‌گیری این نوع از حمایت‌ها این است که جمهوری اسلامی ایران تا کنون قادر بوده است، ادعای سیاسی یا حقوقی متقاعدکننده‌ای برای توجیه اقدامات تهاجمی خود در مقابل ایالات متحده آمریکا بیاورد (Mazarr & et al, 2021: 14- 15).

اهداف جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاکستری غرب آسیا

بر اساس ارزیابی‌های جامعه اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا می‌توان با اطمینان بیان کرد که منافع ایالات متحده آمریکا در سال‌های آتی مورد تهدید اقدامات چالشی جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت و سیستم بازدارندگی ایالات متحده آمریکا قادر نخواهد بود در منطقه خاکستری غرب آسیا در برابر این اقدامات کارایی موثر داشته باشد. بخش مهمی از این مسائل ناشی از تخاصمات^۱ مثلث ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا است (Coats, 2019: 29). حال به نظر می‌رسد که این تخاصمات و رقابت‌های موجود در منطقه غرب آسیا از زمان به شهادت رساندن سپهبد سلیمانی تا کنون به نقطه اوج خود رسیده است. زمانی که در رابطه با تهدیدات ایران در منطقه غرب آسیا سخن گفته می‌شود، ابتدا باید یک چشم‌انداز و شمای کلی از اهداف ایران در این منطقه ژئوپولیتیک ارائه

1 Hostility

داده شود. به نظر می‌رسد از دیدگاه جامعه اطلاعاتی آمریکا اهداف کلی (تهدیدات برای ایالات متحده) ایران در غرب آسیا شامل موارد ذیل می‌شوند:

- ۱- دستیابی به بازدارندگی و دفع^۱ تلاش‌های خصمانه ایالات متحده آمریکا مانند تلاش برای حمله به ایران، مرعوب ساختن^۲ این کشور و یا تغییر رژیم^۳ در داخل؛
- ۲- تلاش برای استفاده از فرصت‌های درگیری منطقه‌ای به منظور خنثی کردن ساختار قدرتی است که ممکن آینده در جهت منافع عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و سایر کشورهای عرب قرار بگیرد؛
- ۳- استفاده از تاکتیک‌ها و راهبردهای امنیتی- دفاعی و دیپلماتیک به صورت همزمان برای القای نقش موثر قدرت ایران در منطقه غرب آسیا نزد افکار عمومی جهان؛
- ۴- استفاده از ابزارهای نظامی و عوامل نیابتی به منظور تلاش برای کاهش کارآیی کارزار فشار حداکثری (Katzman, 2021: 1-5)

اقدامات و رقابتهای ج.ا. ایران در منطقه خاکستری غرب آسیا

در واقع بخش مهمی از اقدامات پیوسته و تدریجی جمهوری اسلامی ایران مطابق و در چارچوب ویژگی‌های رقابتی منطقه خاکستری قرار دارند.

اقدامات نظامی (مستقیم و غیرمستقیم)^۴ و حملات سایبری^۵

جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاکستری غرب آسیا غالباً ترجیح می‌دهد اقدامات نظامی غیرمستقیم خود را از طریق عوامل و جریانهای همسو انجام دهد، اما گاهی اوقات اقدامات نظامی مستقیم نیز انجام می‌دهد و اخیراً یکی از اقدامات نظامی مستقیم جمهوری اسلامی ایران حمله موشکی به پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در عین‌الاسد عراق بوده است. جمهوری اسلامی ایران در فضای سایبری اقداماتی علیه ایالات متحده آمریکا در منطقه خاکستری غرب آسیا انجام داده است (Coats, 2019: 6).

1 Thwart

2 Intimidate

3 Change of Regime

4 Direct Military Action

5 Cyberattacks

استفاده از ابزارهای سیاسی، نرم^۱ و گفتگمانی^۲

اقدامات رقابتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاکستری غرب آسیا صرفاً به اقدامات و ابزارهای نظامی محدود نمی‌شود. این کنش‌گر فعال منطقه‌ای در حال طراحی ساختار گفتگمانی در راستای ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران در منطقه خاکستری غرب آسیا است. تاکتیک‌هایی که ایران برای تحقق این هدف در نظر گرفته است، ایجاد شرایط لازم برای گروه‌های سیاسی در بسیاری از کشورهای منطقه خاکستری غرب آسیا برای فراهم کردن زیرساخت‌های سیاسی است. جمهوری اسلامی ایران در رابطه با ایجاد بستر و شرایط لازم برای ایجاد یک ساختار گفتگمانی غالب در منطقه تلاش می‌کند، از طریق ایجاد برنامه‌های آموزشی و نهادهای پرورش فکری و مذهبی جوانان مسلمان منطقه تلاش می‌کند (Katzman, 2021: 6).

ابزارهای دیپلماتیک

جمهوری اسلامی ایران همواره از ابزارهای دیپلماتیک به منظور گسترش اهدافش در منطقه خاکستری غرب آسیا استفاده کرده است. از جمله می‌توان به برگزاری اجلاس‌ها و همایش‌های متعدد بین‌المللی در ایران اشاره کرد. با استفاده از دیپلماسی عمومی تلاش دارد اقدامات خود در منطقه جایگاه و چشم‌اندازی ارائه دهد تا سایر کشورها و افکار عمومی بین‌المللی را تحت تاثیر قرار دهد. فراتر از اقدامات دیپلماتیک در منطقه این دولت به دنبال همکاری در سازوکارهایی مانند جنبش عدم تعهد (United Nations, 2020: 1-2) و پیمان‌هایی مانند شانگهای در جنوب شرق آسیا و سایر نقاط است.

قابلیت‌های جنگ نامتقارن^۳

جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر جنگ نامتقارن بسیاری از نواقص و کاستی‌های متعارف و غیر متعارف خود را در منطقه خاکستری غرب آسیا جبران کرده است. در حال حاضر نیروی دریایی سپاه تاکتیک‌هایی برای کنترل رویکردهای خصمانه نسبت به ایران ابداع کرده است که مانند تاکتیک‌های اعلام شده توسط ایران در تنگه هرمز قادر خواهد بود بسیاری از دارایی‌ها و

1 Soft Power

2 Discursive

3 Asymmetric Warfare

نیروهای دریایی ایالات متحده را از طریق قایق‌های تندرو کوچک نابود کند و همچنین با پرتاب تعداد زیادی از موشک‌های کروز ضد کشتی^۱ و موشک‌های کروز ساحلی^۲ این دارایی‌ها را از بین ببرد. جمهوری اسلامی ایران در حال افزایش پایگاه‌های دریایی خود در امتداد ساحل است و توانسته است توانایی‌های خود برای تهدید حمل و نقل در تنگه هرمز را به مرز عملیاتی شدن برساند (Clarke & Smyth:2017).

ساخت تسلیحات جمهوری اسلامی ایران نشانگر بعد دیگری از توسعه توانایی‌های جنگ نامتقارن ایران در منطقه است که با استفاده از آنها هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران قلمروی خود را کنترل می‌کنند. این متحدان به ایران کمک می‌کنند تا نفوذ و پروژه قدرت خود را با ریسک نسبتاً کمی گسترش دهند و برای ایران به صورت هم‌زمان ابزار ممانعت ایجاد می‌کنند. در واقع این قابلیت‌های نامتقارن جمهوری اسلامی ایران برای پروژه‌های افزایش قدرت منطقه‌ای از طریق ایجاد و توسعه قدرت و همچنین عملیات و اجرای قدرت محسوب می‌شوند (Eisenstadt, 2021: 84).

حمایت از دولت‌های همسو

ایران از طریق حمایت و پشتیبانی از گروه‌های محور مقاومت به‌عنوان بازوی اجرایی برای سیاست‌هایش در منطقه استفاده می‌کند. جمهوری اسلامی ایران این گروه‌های شبه نظامی را در منطقه خاکستری خود که شامل کشورهای یمن، عراق، سوریه و لبنان می‌شوند به‌عنوان بازوهای نظامی و اجرایی خود در منطقه تاسیس کرده است و از طریق مشاوره به آن‌ها کمک کرده است تا آن‌ها بتوانند در جنبش‌های سیاسی، مشروعیت سیاسی لازم را کسب کنند و کرسی‌هایی را در مجالس ملی و کابینه‌های اجرایی کسب کنند (Tabatabai & Others, 2019:18).

با توجه به این بسترها می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران به‌خوبی توانسته است از منطقه خاکستری عرب آسیا به‌عنوان عرصه‌ای برای چالشگری علیه ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش استفاده کند. گروه‌های مورد حمایت ایران در این منطقه مانند حشدالشعبی، حزب‌الله عراق و دیگر گروه‌ها به‌عنوان متحدین جمهوری اسلامی ایران قادرند سیستم بازدارندگی ایالات متحده آمریکا را از طریق الگوی اقدامات مداوم و پیوسته تحت تاثیر قرار دهند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۹-۱۳۰).

1 Anti-Ship Cruise Missiles

2 Coastal Defense Cruise Missiles

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به اینکه اشکال جنگ و منازعات متحول شده است، بسیاری از دولت‌ها تلاش می‌کنند از طریق اقدامات تهاجمی در فضای منطقه خاکستری بازدارندگی طرف مقابل را به چالش بکشند. مهمترین اصول در مدیریت مناطق منازعه خاکستری شامل مخفی کردن هدف، ایجاد عدم اطمینان، عدم قطعیت، ابهام و سردرگمی در طرف مقابل می‌شود. جنگ‌های کلاسیک پس از شکست سیستم بازدارندگی طرفین به صورت مستقیم و تمام عیار میان کشورها و یا ائتلاف‌ها آغاز می‌شد و این جنگ‌ها دارای هزینه فراوان بودند. اخیراً به دلیل افزایش پیچیدگی سیستم بین-الملل و فراهم شدن محیط راهبردی برای اقدامات نامتقارن، بسیاری از مناطق در مقابل نظم تحمیلی قدرت مداخله‌گر مقاومت می‌کنند. بخش مهمی از این محیط راهبردی نامتقارن بهره-گیری از پتانسیل‌های منطقه خاکستری است. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از منطقه خاکستری در غرب آسیا توانسته است سیستم بازدارندگی گسترده ایالات متحده آمریکا را به چالش بکشد. قرار دادن ایالات متحده آمریکا در فضای میان جنگ و صلح توسط اقدامات متعدد در سطح پیوسته و تدریجی نقش قابل توجهی در عقب نشینی ایالات متحده آمریکا از افغانستان پس از بیست سال داشته است. با این وجود می‌توان پیشنهاداتی برای تقویت کنش‌گری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاکستری غرب آسیا ارائه داد:

۱- راه درست مدیریت منازعات در منطقه خاکستری پرهیز از اختلاف‌های قومی و مذهبی، تقویت سازوکارهای ثبات، تشویق همه گروه‌های ملی، فروملی و فراملی به سازش و توافق در چارچوب مرزهای ملی همان کشور و وادار کردن سازمان‌های بین‌المللی به موضع‌گیری علیه این رویه خطرناک است. در غیر این صورت روند حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا و فرایند اجرای دوگانه صلح و جنگ بی پایان خواهد بود. باید این رویه را ترویج داد که حضور ایالات متحده آمریکا و وابستگی برخی از نظام‌های سیاسی مرتجع به ایالات متحده راه حل مشکلات منطقه غرب آسیا نیست، بلکه راه حل منطقی رسیدن به تفاهم و توافق در چارچوب مرزهای سیاسی و حفظ ثبات و امنیت منطقه در قالب مدیریت چندجانبه با مشارکت قدرتی منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران است.

۲- تعارض‌های هویتی و گسل‌های فرهنگی موجود باعث شده است که شاهد بی‌ثباتی در منطقه خاکستری غرب آسیا باشیم و این تفرقه‌ها دلیل اصلی تقویت یازداری‌های ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه خاکستری است. تنها راه مدیریت و پیش‌گیری از این جنگ‌ها، پیشدستی و همکاری کشورهای مسلمان جهت مدیریت و مبارزه با گروه‌های تکفیری- تروریستی است.

۳- در تنازع میان نظم مورد نظر آمریکایی‌ها و نظم مورد نظر جمهوری اسلامی ایران، آمریکایی‌ها برای رسیدن به نظم نوین جهانی به دنبال این هستند که از طریق مدیریت منازعات در مناطق خاکستری میان جهان اسلام تفرقه ایجاد نمایند و به همین دلیل عربستان سعودی را به‌عنوان پیشران این تنازعات در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند. بنابراین ایران باید با صبر راهبردی و مدیریت کردن شرایط منطقه از وقوع جنگ فراگیر در منطقه غرب آسیا جلوگیری کند.

۴- جمهوری اسلامی ایران می‌بایست پیوندهای اساسی خود با کنش‌گران و کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مانند روسیه و چین افزایش دهد و مطلوبیت‌های آنها را نیز در نظر بگیرد. بازتعریف و مهندسی نظم امنیتی موجود بر اساس مدیریت چندجانبه‌گرایی بهترین الگو برای مقابله با تقویت سیستم یازداری‌های ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه خاکستری غرب آسیا است.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- صادقی، سید شمس‌الدین، مارابی، مه‌ری و اکسا، نرگس (۱۳۹۵). «ایران-عراق چشم‌اندازی بر راهبردی شدن مناسبات دوجانبه» فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۲۲: ۱۶۲-۱۲۹.
- عسگرخانی، ابومحمد. (۱۳۷۷). «سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای» مجله سیاست دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۴) «ساخت ژئوپولیتیک سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی، امنیتی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره ۲: ۶۵-۹۵.

منابع انگلیسی:

- Arbatov, A. (2021). Nuclear Deterrence: A Guarantee for or Threat to Strategic Stability? In NL ARMS Netherlands Annual Review of Military Studies 2020 (pp. 65-86). TMC Asser Press, The Hague.
- Clarke, C., & Smyth, P. (2017). The Implications of Iran's Expanding Shia Foreign Fighter Network. CTC Sentinel, 10(10), 14-18.
- Coats, D. R. (2019, January). Statement for the Record: Worldwide Threat Assessment of the US Intelligence Community, Daniel R. Coats, Director of National Intelligence, Senate Select Committee on Intelligence, January 29, 2019. In United States. Office of the Director of National Intelligence; United States. Congress. Senate. Select Committee on Intelligence. United States. Office of the Director of National Intelligence; United States. Congress. Senate. Select Committee on Intelligence.
- Eisenstadt, M. (2021). Iran's Gray Zone Strategy. PRISM, 9(2), 76-97.
- Groitt, G. (2021). Miranda Priebe/Bryan Rooney/Nathan Beauchamp-Mustafaga/Jeffrey Martini/Stephanie Pezard: Implementing Restraint. Changes in US Regional Security Policies to Operationalize a Realist Grand Strategy of Restraint. Santa Monica, CA: RAND Corporation, 2021. SIRIUS-Zeitschrift für Strategische Analysen, 5(3), 292-293.
- Katzman, K. (2021). Iran's Foreign and Defense Policies. Congressional Research Service Washington United States.
- Mazarr, M. J., Chan, A., Cheravitch, J., Hornung, J. W., & Pézard, S. (2021). What Deters and why: Applying a Framework to Assess Deterrence of Gray Zone Aggression. RAND Corporation.
- McInnis, K. J. (2005). Extended deterrence: The US credibility gap in the Middle East. Washington Quarterly, 28(3), 169-186.
- Morris, L. J., Mazarr, M. J., Hornung, J. W., Pezard, S., Binnendijk, A., & Kepe, M. (2019). Gaining Competitive Advantage in the Gray Zone: Response Options for Coercive Aggression Below the Threshold of Major War. RAND National Defense Research Institute Santa Monica United States.
- NAM statement – Charter Committee - the United Nations <https://www.un.org › sixth › 75 › pdfs › statements>
- Tabatabai, A. M., Martini, J., & Wasser, B. The Iran Threat Network (ITN). RAND Corporation
- the United Nations (2020) Report of the Special Committee on the Charter of the United Nations and on the Strengthening of the Role of the Organization" Available at:
- Wirtz, J. J. (2017). Life in the "Gray Zone": observations for contemporary strategists. Defense & Security Analysis, 33(2), 106-114.

